



یادداشت

هیراد مخبری
کارشناس ارشد اوراسیا

فشارهای ژئوپلیتیک و منطق ساختار نظام بین‌الملل

اظهارات زنسکی درباره «پایان حکومت ایران» و پاسخ تند وزیر خارجه اگر در سطح ادبیات سیاسی متوقف بماند، ممکن است صرفاً یک جدال لفظی دیپلماتیک تلقی شود، اما در سطح تحلیل روابط بین‌الملل، این نوع موضع‌گیری‌ها بازتابی از منطق عمیق‌تری در ساختار نظام بین‌الملل است؛ منطقی که رفتار دولت‌ها را نه بر اساس احساسات، بلکه بر اساس جایگاه، امنیت و موازنه قدرت توضیح می‌دهد. در نظام بین‌الملل، مرجعی بالاتر از دولت وجود ندارد که امنیت کشورش را تضمین کند. هر دولت ناگزیر است خود مسئول بقای خویش باشد. در چنین محیطی، بازیگران سیاسی جهان بیش از آنکه به هتجارهای اخلاقی یا ادبیات آرمانی تکیه کنند، به محاسبه قدرت، تهدید و فرصت می‌اندیشند. بنابراین وقتی رئیس‌جمهور اوکراین علیه ساختار سیاسی ایران موضع‌گیری می‌کند، این سخن را باید در چارچوب موقعیت امنیتی و نیازهای راهبردی کی‌یف فهم کرد، نه صرفاً در قالب موضع‌گیری ایدئولوژیک.

اوکراین در میانه جنگی فرسایشی با روسیه قرار دارد؛ جنگی که بقای سرزمینی و سیاسی این کشور را به چالش کشیده است. در چنین شرایطی، سیاست خارجی اوکراین به‌شدت به حمایت‌های نظامی، مالی و سیاسی غرب وابسته است. هر موضع‌گیری در قبال بازیگران دیگر، بخشی از پیام‌رسانی راهبردی به متحدان غربی نیز محسوب می‌شود. وقتی کی‌یف، تهران را در کنار مسکو قرار می‌دهد، در واقع در حال تقویت تصویری از یک «محور تهدید» است که باید مهار شود. این تصویرسازی می‌تواند در بسیج حمایت بیشتر غرب مؤثر باشد.

از سوی دیگر، برای ایران نیز این موضع‌گیری صرفاً یک اظهارنظر رسانه‌ای نیست. هر سخنی که مشروعیت ساختار سیاسی یک کشور را هدف قرار دهد، در ادبیات امنیتی به‌عنوان تهدیدی علیه ثبات داخلی تلقی می‌شود. در محیطی که رقابت قدرت‌های بزرگ شدت یافته و منطقه غرب آسیا نیز دچار بی‌ثباتی‌های مزمن است، هر گونه سخن از «پایان حکومت» می‌تواند در تهران به مثابه امتداد جنگ روایت‌ها و فشارهای ژئوپلیتیک تعبیر شود. پاسخ تند عراقچی نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است: بازدارندگی کلامی برای جلوگیری از عادی‌سازی چنین ادبیاتی. در واقع، در ساختار کنونی نظام جهانی، واژه‌ها نیز ابزار قدرت‌اند. ادبیات سیاسی بخشی از جنگ نرم و مکمل رقابت سخت است. وقتی یک بازیگر در سطح رئیس‌جمهور از تغییر ساختار سیاسی کشور دیگر سخن می‌گوید، این پیام صرفاً برای مخاطب داخلی نیست؛ بلکه برای سایر بازیگران نیز سیگنال ارسال می‌کند. این سیگنال می‌تواند به معنای هم‌راستایی کامل با بلوک خاصی از قدرت‌های جهانی باشد.

از منظر موازنه قوا، جنگ اوکراین شکاف‌های ژئوپلیتیکی را عمیق‌تر کرده است. کشورها ناگزیرند جایگاه خود را نسبت به این شکاف تعریف کنند. ایران به‌دلیل روابطش با روسیه، در نگاه کی‌یف بخشی از محیط تهدید تلقی می‌شود. در مقابل، تهران نیز تحولات اوکراین را صرفاً یک بحران منطقه‌ای نمی‌بیند، بلکه آن را بخشی از رقابت بزرگ‌تر میان قدرت‌های جهانی می‌داند. بنابراین تقابل لفظی اخیر را باید در متن این صفت‌بندی کلان تحلیل کرد.

نکته مهم این است که در چنین ساختاری، دولت‌ها بیش از آنکه به تغییر رفتار دیگران امیدوار باشند، به ارسال پیام بازدارنده می‌اندیشند. پاسخ ایران نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. نشان دادن اینکه ورود به ادبیات تغییر رژیم، بی‌پاسخ نخواهد ماند. این نوع واکنش‌ها معمولاً با هدف حفظ اعتبار و جلوگیری از برداشت ضعف صورت می‌گیرد؛ اوکراین در شرایط جنگی نیازمند حفظ روحیه و تثبیت تصویر «مبارزه با محورهای حامی روسیه» است. ایران نیز در شرایط فشارهای خارجی، نیازمند نمایش قاطعیت در برابر هر گونه تهدید کلامی است. در نهایت، آنچه در این تقابل لفظی مشاهده می‌شود، بازتابی از یک واقعیت ساختاری است: دولت‌ها در پی بقا هستند و در مسیر بقا، ناچار به تعریف دوستان و دشمنان می‌شوند. در چنین محیطی، سخنان تند نه‌از سر احساس، بلکه از دل محاسبه برمی‌خیزد. فهم این منطق، کمک می‌کند تا از سطح هیجانی ماجرا عبور کنیم و آن را در چارچوب رقابت قدرت‌ها و منطق امنیتی نظام بین‌الملل ببینیم؛ جایی که واژه‌ها نیز بخشی از موازنه‌اند و هر جمله، حامل پیامی فراتر از ظاهر خود است.

خبر

قطعنامه ضدایرانی شورای حقوق بشر

گروه سیاسی | شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در پایان نشست ویژه روز جمعه، در اقدامی سیاسی، شتاب‌زده و نسنجیده قطعنامه پیشنهادی اِیسلند، آلمان، مقدونیه شمالی، جمهوری مولداوی و انگلیس درباره ایران را تصویب کرد.

«علی بحرینی» نماینده ایران در ژنو در این جلسه تأکید کرد: این نشست حقوق بشری تنها برای اعمال فشار بر ایران برگزار شده است، وی تأکید کرد: این نشست حقوق بشری تنها برای اعمال فشار بر ایران برگزار شده است. بحرینی گفت: کشورهایی که تاریخ آن‌ها آلوده به جنایات جنگی، نسل‌کشی و خشونت سازمان‌یافته علیه مردم خود است سعی دارند به ایران درس حکمرانی و حقوق بشر بدهند. پیش از سخنان نماینده جمهوری اسلامی ایران، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد و کمیسر عالی حقوق بشر در اظهاراتی مداخله‌جویانه حق ایران خواست در اقدام‌های خود در آنچه «سرکوب وحشیانه» خواند، تجدیدنظر کند.

مای ساتو، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در ایران هم مدعی شد: مطابق با «اطلاعات معتبر» تعداد کشته‌شدگان ناآرامی‌های ایران بسیار بیشتر از رقم اعلام شده است.
نماینده اتحادیه اروپا نیز با ادعای همبستگی با مردم ایران، از جمهوری اسلامی خواست به تعهدات بین‌المللی خود عمل کند و عنوان کرد اتحادیه اروپا قویاً استفاده از حکم اعدام را محکوم می‌کند. این ادعاها در حالی است که جمهوری اسلامی بارها تأکید کرده حق اعتراض شهروندان را به رسمیت می‌شناسد، اما از جان و مال مردم در برابر تعرضات سازمان‌یافته، حمایت می‌کند.

تحلیل کارشناسان از تشدید حضور نظامی واشنگتن در منطقه همزمان با اوج‌گیری جنگ روانی علیه ایران

جنگ یا جنگ روانی؟ آمادهایم



سیدحسین حسینی | در روزهایی که منطقه بار دیگر به صحنه‌قدرت‌نمایی‌های پرهیاهوی آمریکاتبديل شده، تحركات نظامی واشنگتن در خليج فارس و پيرامون ايران، بيش از هر زمان ديگري در كانون توجه رسانه‌ها و تحليلگران قرار گرفته است. اعزام ناوهای جنگی، استقرار اسکاڊران‌های هوایی و همزمان لغاظی‌های تکراری و گاه متناقض دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ايران، تصویری آشنا از سياست تهديدمحور آمریکا را بازتوليد می‌کند؛ سياستی که طی پنج دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره بخشی ثابت از رفتار کاخ سفيد بوده است. در این میان، تلاش برخی کشورهای اروپایی برای عقب‌نماندن از قافله تهديدسازي علیه ايران نیز قابل تامل است؛ به‌گونه‌ای که گزارش‌ها از اعزام جنگنده‌ها و هواپيماهای سوخت‌رسان انگلیس به منطقه حکایت دارد؛ اقدامی که بيش از آنکه نشانه آمادگی واقعی برای تقابل باشد، بازتابی از تبعیت سياسی لندن و متحدان اروپایی از فضای روانی طراحی شده توسط واشنگتن است. پرسش اينجاست که رئيس جمهوری که خود را بيش از هر چيز یک «بیزینس‌من» معرفی می‌کند و کارنامه‌ای مملو از رفتارهای منفعت‌محور در عرصه جهانی دارد، چگونه می‌تواند برای کشوری خط‌ونشان بکشد که کمتر از هفت ماه پيش، طعم پاسخ‌موشکی مستقيم آن را در پایگاه هوایی العدیدبه‌خوبي چشیده است؟

روزنامه قدس با طرح این پرسش که «آیا ایالات متحده اساساً قصد ورود به یک تقابل نظامی با ایران را دارد، یا آنچه شاهد آن هستیم، تکرار یک جنگ روانی فرسوده و کم‌اثر است؟» در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه‌های نظامی، امنیتی و دیپلماتیک، به بررسی ابعاد واقعی این تهديد‌ها پرداخته است.

■ پاسخ پرهزینه ایران

دکتر «غلامحسین یوسفی» مشاور پيشين وزير دفاع و پشتيبانی نیروهای مسلح و کارشناس ارشد مسائل دفاعی، در گفت‌وگو با روزنامه قدس تأکید می‌کند:

ایالات متحده تنها در صورتی دست به حمله می‌زند که مطمئن باشد می‌تواند بزند اما ضربه نمی‌خورد؛ واقعیت‌های امروز منطقه اما چنین امکانی را از واشنگتن سلب کرده است. وی تصریح می‌کند: آمریکا و متحدانش به‌خوبي در یافته‌اند که جمهوری اسلامی ايران پس از تجربه جنگ ۱۲ روزه، به سطحی از آمادگی روانی و آرایش جنگی رسیده که برای هر گونه تنش‌ی آماده است. ایران بسیاری از نقاط ضعف گذشته خود را شناسایی و برطرف کرده یا در مسیر ترمیم آن‌ها قرار دارد. همین مسئله، محاسبات دشمن را به‌طور جدی تغییر داده است؛ چراکه هر گونه اقدام نظامی، با پاسخ متقابل و پرهزینه ايران همراه خواهد بود.

گزارش

دارند، تصریح می‌کند: هر چه نیروها و تجهیزات آمریکایی به منطقه نزدیک‌تر شوند، برای ما وضعیت روشن‌تر و هدف‌گیری دقیق‌تر خواهد بود. به تعبیر دیگر، نزدیک شدن آن‌ها نه تنها ایجاد نگرانی نمی‌کند، بلکه از منظر عملیاتی، شرایط را برای پاسخ قاطع ساده‌تر می‌کند.

این مقام ارشد پيشين نیروی دریایی ارتش همچنین با اشاره به محدودیت‌های داخلی آمریکا در ورود به یک جنگ گسترده، تأکید می‌کند: در شرایط فعلی، با وجود همه اقدام‌های میدانی و تیزنمایش‌های رسانه‌ای دشمن، تصور نمی‌کنم ترامپ دست به اقدام نظامی علیه ايران بزند؛ چراکه پس از تجربه جنگ ۱۲ روزه، این بار درگیری با ايران، جنگی کوتاه‌مدت و چندروزه نخواهد بود. چنین جنگی ماهیت طولانی دارد و نه افکار عمومی آمریکا نه کنگروه‌ونه حتی متحدان واشنگتن، آمادگی پذیرش هزینه‌های آن را ندارند.

به گفته امیر جبر، بیش از ۱۰۰ پایگاه نظامی آمریکا همگی در برد تسلیحات جمهوری اسلامی ايران قرار دارند و این واقعیت، معادلات امنیتی را به‌ضرر واشنگتن تغییر داده است.

وی در عین حال به سطح آمادگی نیروهای مسلح کشور اشاره کرده و خاطر نشان می‌کند: آمادگی نیروهای مسلح به ویژه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ايران، همواره در بالاترین سطح قرار داشته و در حال حاضر هم در بالاترین سطح قرار دارد. برای شرایط مختلف، پیش‌بینی‌ها و طرح‌های عملیاتی از پيش آماده شده و در چنین مقاطعی، هیچ خللی در آمادگی ۱۰۰ درصدی نیروها وجود ندارد. در یاردار دوم سیاوش جره تأکید می‌کند: بر خلاف هیاهوی رسانه‌ای و تحركات نمایشی آمریکا، توازن قدرت در منطقه به‌گونه‌ای است که هر گونه اقدام نسنجیده از سوی واشنگتن، با پاسخی پرهزینه و غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو خواهد شد؛ واقعیتی که به‌نظر می‌رسد تصمیم‌سازان آمریکایی هم به‌خوبی از آن آگاه هستند.

■ پینگ‌پنگ‌های سیاسی و رسانه‌ای

«احمد بخشایش اردستانی» عضو کمیسیون امنیت ملی و سياست خارجی مجلس شورای اسلامی هم در گفت‌وگو با روزنامه قدس با اشاره به رفتارهای متناقض دونالد ترامپ تأکید می‌کند: رئیس‌جمهور آمریکا علاقه‌مند است ضربه‌ای «ولو محدود» به ايران وارد کند؛ چرا که پيش‌تر

این کارشناس ارشد مسائل دفاعی با اشاره به مخالفت جدی برخی کشورهای منطقه با حمله احتمالی آمریکا به ايران، می‌گوید: طبق گزارش رسانه‌های معتبر آمریکایی، کشورهایی مانند عربستان، قطر و عمان به‌شدت با گزینه حمله مخالفت کرده‌اند؛ زیرا جمهوری اسلامی ايران هشدار داده در صورت تعرض، پایگاه‌های آمریکا در منطقه هدف قرار خواهند گرفت و این کشورها به‌عنوان میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا، متحمل خسارت مستقیم خواهند شد. او تأکید می‌کند: حتی رژیم صهیونیستی نیز در مقطع فعلی خواستار تعویق حمله است؛ چرا که سامانه‌های دفاع موشکی این رژیم همچنان در برابر توان موشکی ايران، آسیب‌پذیر بوده و خسارت‌های وارد شده در جنگ اخیر به‌طور کامل جبران نشده است. نگرانی تل آویواز آن است که هر گونه درگیری جدید، موجی از خسارت‌های امنیتی و زیرساختی را برای این رژیم به‌دنبال داشته باشد. با این حال، این کارشناس دفاعی هشدار می‌دهد که کاهش احتمال حمله نظامی به معنای پایان فشارها نیست. به باور وی: آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در حال انتقال میدان تقابل به عرصه‌های بین‌المللی، حقوق بشری و سیاسی هستند؛ تلاشی که با محوریت پرونده اغتشاشات داخلی و همراهی بی‌چون و چرای اروپا با واشنگتن در حال دنبال شدن است. یوسفی تأکید می‌کند: هر چند احتمال حمله نظامی در شرایط فعلی چندان بالا نیست، اما تجربه‌های گذشته نشان داده نباید به ادعاها و عقب‌نشینی‌های لفظی آمریکا و غرب اعتماد کرد؛ همچنان که نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی کشور نیز در بالاترین سطح آمادگی قرار دارند؛ چرا که فریب همیشه بخشی ثابت از راهبرد دشمن است.

■ هر چه نزدیک‌تر، آسیب‌پذیرتر

«امیر در یادار دوم سیاوش جره»، معاون سابق عملیاتی فرماندهی نیروی دریایی ارتش و مشاور عالی فرمانده این نیرو نیز در گفت‌وگو با روزنامه قدس با اشاره به سابقه این تحركات تأکید می‌کند: این نخستین بار نیست که آمریکا حجم بالایی از تجهیزات نظامی را به منطقه منتقل می‌کند و چنین اقداماتی بیشتر جنبه تهديد و فشار دارد تا آمادگی واقعی برای درگیری. وی با بیان اینکه امروز تمامی منافع و پایگاه‌های آمریکا در منطقه در تیررس توان موشکی ايران قرار

در جریان اعتراض‌ها، به معترضان وعده «کمک در راه» را داده بود و اکنون به‌نوعی در برابر این وعده‌ها قرار دارد.

به گفته بخشایش، مجموعه‌ای از «پینگ‌پنگ‌های سیاسی و رسانه‌ای» میان تهران و واشنگتن شکل گرفته که از یک سو با مواضع قاطع جمهوری اسلامی و از سوی دیگر با تهديد‌ها و تحركات نظامی آمریکا همراه بوده است. وی تصریح می‌کند: پس از آنکه رهبر معظم انقلاب، ترامپ را «مجرم» خواندند، ادبیات طرف آمریکایی نیز دچار تناقض شد؛ از اظهارات دوپهلو درباره برخورد با آشوبگران گرفته تا دستور افزایش تحركات نظامی در اطراف ايران.

این عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با اشاره به موضع کشورهای منطقه می‌گوید: کشورهایی مانند ترکیه، قطر و امارات هم علاقه‌ای به حمله آمریکا به ايران ندارند؛ چرا که از یک سو روابط اقتصادی آن‌ها با جمهوری اسلامی به ویژه در دوران تحریم افزایش یافته و از سوی دیگر به‌خوبی می‌دانند هر گونه درگیری، دامنه بی‌ثباتی را به کل منطقه خواهد گشاند.

بخشایش اردستانی همچنین هشدار می‌دهد: ايران به‌طور شفاف به کشورهای منطقه پیام داده است در صورت هر گونه حمله از مبدأ پایگاه‌های آمریکایی، پاسخ متقابل داده خواهد شد؛ پاسخی که می‌تواند پایگاه‌ها، منافع آمریکا و حتی مسیرهای حیاتی انرژی مانند تنگه هرمز را در بر بگیرد.

وی در عین حال معتقد است بخش قابل توجهی از تحركات اخیر را باید در چارچوب «جنگ روانی» تحلیل کرد و می‌گوید: آمریکا ممکن است به دنبال یک اقدام نمادین هم باشد؛ اقدامی که اگر تصور کند بدون تلفات انسانی و هزینه جدی انجام می‌شود، اجرای آن را منتفی نمی‌داند. اما اگر واشنگتن به این جمع‌بندی برسد که هر ضربه به ايران، با تلفات نیروهایش همراه خواهد بود، ناگزیر عقب‌نشینی خواهد کرد.

این نماینده مجلس در ادامه به ابعاد جدید بازدارندگی ايران اشاره کرده و می‌گوید: انتشار اخباری درباره دستيابی ايران به توان موشکی با بردهای فراتر از ۵ هزار و ۵۰۰ کیلومتر – فارغ از جنبه تبلیغاتی آن – بخشی از جنگ ادراکی و روانی است که معادلات دشمن را تغییر می‌دهد. جنگ فقط نظامی نیست؛ جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی نیز بخشی از میدان نبرد است و ايران نیز در این حوزه دست بسته نیست.

■ دیپلماسی، قدرت نظامی و هوشیاری منطقه‌ای

«فریدون انتظاری» سفير پيشين ايران در کره جنوبی و دیپلمات ارشد کشور در گفت‌وگو با روزنامه قدس تأکید می‌کند: آمریکا مسئله‌های متعدّد بین‌المللی دارد؛ از پرونده گرینلند گرفته تا مسائل منطقه‌ای و غزه و این در حالی است که اروپا، چین و روسیه نیز با دقت این تحولات را رصد می‌کنند و اجازه اقدام‌های نسنجیده را نمی‌دهند.

وی با اشاره به قدرت نظامی ايران می‌گوید: تهديد‌ها از سوی آمریکا و متحدانش با پاسخ‌های محکم ايران مواجه شده و پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه در تیررس توان موشکی و عملیاتی کشور قرار دارند و واقعیت این است که ايران با توان دفاعی و پاسخ متناسب، همواره قدرت بازدارندگی خود را حفظ کرده است.

انتظاری در بخش دیگری از سخنان خود، نقش کشورهای منطقه و اروپا را برجسته می‌داند و تأکید می‌کند: کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه و سایر همسایگان به‌خوبی می‌دانند هر گونه حرکت نسنجیده علیه ايران می‌تواند پایگاه‌های آن‌ها را نیز در معرض خطر قرار دهد و از این رو، تمایل چندانی به حمایت کامل از اقدام‌های آمریکا ندارند.

وی با اشاره به نقش قدرت‌های جهانی خاطر نشان می‌کند: درگیری نظامی گسترده با ايران، صرفاً یک موضوع دوجانبه نیست، چنین جنگی برای روسیه و چین نیز تبعات راهبردی دارد و به همین دلیل، آن‌ها نمی‌توانند نسبت به امنیت و موجودیت ايران بی‌تفاوت باشند؛ همان گونه که ناتو و رژیم صهیونیستی در کنار آمریکا قرار می‌گیرند.

سفير پيشين ايران در کره جنوبی معتقد است: مجموعه این عوامل – قدرت نظامی و بازدارندگی ايران، هوشیاری منطقه و نقش بازدارنده چین و روسیه، حضور مردمی گسترده و آمادگی داخلی نیروهای مسلح – موجب می‌شود سناریو یک جنگ مستقیم با ايران، فعلاً منتفی باشد و تحركات آمریکا بيشتر در چارچوب جنگ روانی و تهديد نمادین قرار بگیرد.

حداکثر بهره‌ر ابرده و سناریوهای خود را پیاده کنند. وی در این باره تصریح کرد:

به‌طور نمونه مانور روی آم‌پر بردازی جعلی در مورد کشته‌شدگان اخیر به آن‌ها فرصت می‌دهد تا در گام بعدی روایت‌های رسمی حکومت را خدشه‌دار کرده و به چالش بکشند و اندها را برای پذیرش جعلیات خود آماده کنند. دیدیم که آمار رسمی کشور هم فاصله معناداری با ادعای آن‌ها داشت و این در شرایطی است که حدود ۱۰ روز طول کشید که مراجع به ارائه آمار پرداختند، اما آن‌ها همان دوسه روز نخست چنین ادعایی داشتند آن هم در حالی که به دلیل قطعی اینترنت و تلفن، هیچ دسترسی به ايران نداشتند و مشخص است که از دروغ‌پردازی‌ها اهداف پشت پرده دیگری را دنبال کرده و می‌کنند.

وی در مورد انتشار شایعات در مورد مقامات سیاسی و نظامی کشور مانند آنچه برای سردار قانّی دنبال می‌شود، هدف آن را القای شکاف در ساختار حاکمیت دانست و عنوان کرد: با این نمایش‌ها به دنبال آن هستند که نشان دهند کار از دست در رفته و نظام در مسیر فروپاشی است. این رویه از مدت‌ها پیش کلید خورده، همان گونه که انتشار فیلم‌هایی می‌خواستند القا کنند که مثلاً فلان ارتشی به‌صف مردم ادعای خودشان پیوسته است، حتی در مورد سردار قانّی عزیز شایعاتی پس از جنگ ۱۲ روزه شکل گرفت. وقتی او را نتوانستند در میدان شکست دهند، به‌تورر شخصیت روی آورده و شایعه کردند جاسوس اسرائیل است، همان‌هایی که حتی مدعی شده بودند وی را در هوای پیمایی در مشهد زده‌اند! این طرح‌هایی است که آمریکا و رژیم صهیونیستی برای القای اختلاف در نظام پیگیری می‌کنند، ولی خوشبختانه مردم به‌روشنی از این دست توطئه‌ها آگاه بوده و دسیسه‌ها کاملاً به شکست انجامیده است.

با مردم و مردم با حاکمیت دست زده‌اند. وی ادامه داد: انواع شایعات، تهمت‌ها و

خبرسازی‌ها انجام شده و ادامه خواهد داشت ولی نکته مهم این است که مردم با روشنگری و انتشار اخبار درست و به موقع از واقعیات جاری کشور آگاهی پیدا کنند. از این رولازم است مسئولان اطلاعات شفاف را در اختیار شهروندان قرار دهند تا جلو چنین سوءاستفادهایی را بگیرند و آن گاه این شایعات، بی‌اثر خواهد شد.

زنگنه در پاسخ به این پرسش که می‌توان گفت دشمن با موح‌سازی اخیر به ویژه درباره مقامات کشورمان، به دنبال القای ترلزل در نظام است، ضمن تأیید این نکته تصریح کرد: مسئله گفته شده قطعاً مد نظر دشمن است. با این حال چنین رویه‌ای، نتیجه‌ای عکس و خلاف انتظار آن‌ها دارد؛ شایعه‌سازی نشان می‌دهد طرف مقابل احساس ضعف کرده و روزهای تلخی را از سر می‌گذراند. بنابراین ما مطمئن هستیم که مسائل در درون کشور با دقت، حکمت و عقلانیت پیش می‌رود. اینکه با پیش‌بینی پروژه کشته‌سازی دشمن، در روزهای نخست اغتشاشات دستور داده شد نیروهای نظامی اصلاً مسلح نباشند خود گواه این مدعا ست و البته اقتدار نظام و اعتماد آن به شهروندان را به اثبات می‌رساند.

■ از جنگ میدانی تا تورر شخصیتی

محمدرضا باقری، فعال سیاسی و رسانه‌ای نیز معتقد است: آمریکا و رژیم صهیونیستی درصدد هستند با این دست فرمان و بمباران خبری، دروغ‌های متعدد و پشت سر هم، بر ذهن شهروندان ایرانی تأثیر گذاشته و با ایجاد وضعیت آشفتگی روانی و خطای محاسباتی و شناختی در مخاطب، از این وضعیت